

مجلس‌س که پدر دو شهید و روحانی بود، حفظ شود. وقتی موضوع را با آقای مهندس خرم مشورت کردم و متن انصراف خود از شکایت را برایش خواندم، استقبال کرد و گفت متن مفصلی را که با توجه به ندامت و اعتذار نماینده مذکور تهیه شده بود، کنار بگذارم و به یک جمله اکتفا کنم تا از رهگذر این درگیری طولانی فرساینده چیزی برای آخرت خود به دست آورم و آن جمله این بود: بنویس «از حق خود برای رضای خداوند و به حرمت خون دو شهیدش گذشتم». این درس اخلاقی را بارها در کلاس‌های مبانی سیاست برای دانش‌جویان ارائه کردم و این خاطره نه‌چندان زیبا که خرم آن را به زیبایی آراست، برای من و دوستانم ماندگار شد. خداوند از تقصیرات کسانی که کشور را از مدیریت علمی و اخلاقی او محروم کردند و با صحنه‌سازی و باندبازی این مدیر پاکدست و خلاق و اسوه را از مقام وزارت راه استیضاح و کنار گذاشتند، خواهد گذشت؟! کسانی که صلاحیت انسان نخبه و مدیر دانشمند و توانمندی همچون احمد خرم را حتی برای نظام مهندسی که منصبی انتخابی بود، احراز نکردند و جامعه را در اوج دانایی و تجربه و تسلط فکری و اشراف بر امور از خدمات صادقانه او محروم کردند. امیدوارم در پیشگاه خداوند عالم و وجدان خویش پاسخی بر عمل خویش بیابند. مهندس خرم مصداقی بارز و بی‌مناقشه از یک رجل سیاسی و مذهبی است. هرکسی از زاویه دید و تخصص خود از او خاطره‌ای ذکر می‌کند، اما به‌عنوان یک معلم علوم سیاسی، شهادت می‌دهم او را مردی سیاست‌مدار و در عین حال مذهبی و پایبند به اصول اخلاقی و انسانی یافتم. در روابط انسانی و عاطفی و خیرخواهی برای بندگان خدا، کمتر مدیری را به رقت قلب او دیدم. انصاف، صداقت، یکرنگی و صراحت در بیان حق، با رعایت حرمت اشخاص در عین شوخ‌طبعی از خصوصیات برجسته اخلاقی او است. او به راستی مصداق مؤمنانی است که حزنش در دل و نشاطش در چهره و ظاهرش هست. خداوند او را سلامتی و عافیت بخشد و از نعمت وجودش ایران را بهره‌مند کند. آقای خرم زمان کوتاهی معاونت سیاسی استانداری بوشهر را بر عهده داشت که در دفاع از ارزش‌های اصیل انقلاب و حمایت از مدیران و نیروهای پرتلاش و سالم، خاطره‌های شیرین و گرانبغری در آن دیار باقی گذاشت. او در هر جلسه، سخنی از کلام معصومین را برای فرمانداران تبیین می‌کرد و از چالپوسی افراد به خدا پناه می‌برد و به راستی پس از شهادت ابوالحسن آل اسحق و حمید سلیمی، کسی را در اخلاص و مردم‌داری او سراغ نیافتم. او سنگ صبور بسیاری از نیروهای انقلاب و رافع دغدغه‌های آنان بود. حشر و نشر با او نعمتی برای دوستانش بود که قریب نیم‌قرن گذشته از او فراوان آموخته‌اند. خداوند او را شفا دهد و با نیکان محشور بدارد. الحق مهندس خرم مدیری جامع‌الاطراف، حساس و پیگیر در همه مسئولیت‌های محوله و اهل ابتکار و یافتن راهکارها بود و فکری باز و گره‌گشا در حل معضلات داشت.

سیدمحمدسمعی‌کاشی؛

وزیر عملیاتی

در دوره صدارت جناب آقای مهندس خرم در وزارت راه و ترابری، اینجانب مدیرکل برنامه‌ریزی و تلفیق بودجه وزارت راه بودم. مهندس خرم در همه امور، اعم از پرسنلی، بودجه، پروژه‌ها، تقویت علمی پرسنل و سایر موارد، برای اداره و مدیریت بهینه وزارتخانه حساسیت خاصی به خرج می‌دادند و شخصا پیگیری می‌کردند. من در اینجا به چند مواردی که در حوزه کاری اینجانب بوده است، اشاره می‌کنم. درخصوص تأمین بودجه کافی و تخصیص‌ها، شخصا به کمک اینجانب می‌آمدند و در پایان ساعات اداری با پنجشنبه‌ها با هماهنگی قبلی با آقای ستاری‌فر، رئیس سازمان برنامه، به اتفاق به سازمان می‌رفتم؛ به طوری که در دوره صدارت ایشان هرساله وزارت راه در اخذ تخصیص اعتبارات بین دستگاه‌های اجرائی رتبه نخست را داشته است. با تأکید مجدانه و مساعدت ایشان و پیگیری اینجانب، توانستیم مرکز تحقیقات وزارت راه را ارتقا دهیم و پژوهشکده حمل‌ونقل با ردیف اعتباری مستقل ایجاد کنیم که توسط وزرای بعدی به مرکز تحقیقات تقلیل داده شد. ایشان به‌شدت پیگیر کمک به تعاونی مسکن وزارت راه بود تا در نهایت توانستیم با استفاده از قانون اعتبارات خارج از شمول، کمک مناسبی برای زمین‌های پردیس تعاونی مسکن به عمل آوریم و تعداد زیادی از پرسنل وزارتخانه صاحب زمین مسکونی در آنجا شوند. ایشان هر چند وقت یک بار شخصا جلسهای سه‌نفره با حضور اینجانب و ذی‌حساب طرح‌های عمرانی برگزار و مشکلات اعتباری و تخصیص پروژه‌ها را بررسی و مدیریت می‌کرد. درخصوص حمل بار و مسافر، به‌خصوص بار ترانزیت، مرتب گزارش می‌گرفت و برای رفع موانع دستورهای لازم را می‌داد. ایشان اولین وزیری بود که به فکر خرید و واردکردن دستگاه TBM توسط پیمانکاران وزارت راه از طریق تأمین وام ارزی برای پیمانکاران افتادند و این کار را اجرا کردند.

محمود مردان:

خاطره‌ای درگرمای بندرعیاس

بعد از پایان جنگ هشت‌ساله، آقای مهندس خرم، بنده و همکاران از جهاد دانشگاهی صنعتی شریف را برای ساخت سازه‌های بتنی پیش‌ساخته مسکونی، اداری و آموزشی در قالب شرکت جهش‌ساز برای جزایر ۱۳گانه به استان هرمزگان دعوت کردند و بحق در طول پنج سال مسئولیت بنده از هیچ نوع پشتیبانی‌ای دریغ نکردند. خداوند را شاکرم که بعد از سی و اندی سال، آن کارخانه همچنان در بندرعیاس مشغول تولید و فعالیت است. جلسات هماهنگی حقیر با ایشان ساعت شش صبح زمانی که هنوز هیچ‌کدام از پرسنل استانداری حضور نداشتند، برگزار می‌شد. یک بار آقای مهندس خرم از تیم ما خواستند گزارشی تخصصی از فعالیت یک شرکت رقیب و فعال تهیه کنیم. تیم جهش‌ساز بعد از بازدید، گزارشی مدون تهیه و عرضه کرد. قرار بود خلاصه گزارش در جلسه مدیران استان قرائت شود. در همین اثنا، مدیر آن شرکت سر رسید و اعتراض‌گونه به آقای مهندس خرم، استاندار محترم، گفت از شما انتظار نمی‌رفت ارزیابی کیفیت کار ما را به شرکت رقیب بسپارید. آقای مهندس خرم فرمودند عجله نکنید، اجازه دهید خلاصه گزارش جهش‌ساز قرائت شود. وقتی گزارش ما قرائت شد که جز تعریف و تصدیق کار کیفی آن شرکت نبود، مدیر آن شرکت خجل شده و از آقای مهندس خرم عذرخواهی کرد.

مجید وکیل:

سه‌خاطره در یک قاب

من سه خاطره مرتبط با جناب خرم دارم که با دو خاطره مستقیما در ارتباط بودم و یکی هم نقل‌قول است.

■ خاطره اول: من در زمان مدیرعاملی مهندس کشاورزبان در ایران‌ایر، مسئول حراست این شرکت بودم. روز پرماجرایی افتتاح فرودگاه امام خمینی بود که به نظر من یکی از روزهای ماندگار از قدرت‌نمایی حق بر باطل است. مهندس از ساعت شش صبح به فرودگاه آمدند و یک‌تنه (البته با همراهی یارانش) جلوی عوامل بازدارنده ایستادند و فرودگاه را افتتاح کردند. ایشان در برج مراقبت فرماندهی عملیات را بر عهده گرفتند. هوایمای امارات به سلامت بر زمین نشست و مسافران خود را تخلیه کرد و مسافرگیری کرد و رفت، ولی عوامل بازدارنده برای نشستن هوایمایی ایران‌ایر سنگ‌اندازی کرده و باند را مسدود کردند و به خلبان گفتند به مهرآباد برود، ولی مهندس کشاورزبان با هماهنگی جناب خرم، به خلبان دستور دادند که فقط باید مقررات را رعایت کنی و خلبان دوباره درخواست تأیید دستور را از مدیرعامل خواست و مدیرعامل دوباره بر دستور خود تأکید کرد. همه فکر کردند مدیرعامل براساس درخواست عوامل بازدارنده دستور رفتن به فرودگاه مهرآباد را به خلبان داده است؛ درصورتی‌که اولین فرودگاه جایگزین برای فرودگاه امام، فرودگاه اصفهان است و خلبان هوایمما را به سمت اصفهان هدایت کرد و در اصفهان به زمین نشست، ولی فرودگاه مهرآباد را برای فرود اضطراری خود انتخاب نکرد و با این عمل خود، عملا برنامه پروازی فرودگاه امام را برقرار کرد. اگر نبود قدرت مدیریت جناب خرم، قطعا در آن زمان فرودگاه امام راه‌اندازی نمی‌شد. ■ خاطره دوم: می‌گویند زمانی که مهندس خرم استاندار هرمزگان بود، ورودی بندرعیاس از طرف حاجی‌آباد آسفالت خرابی داشت و هرچه به اداره راه یا شهردار تذکر داده بود مشکل حل نشده بود. یک بار نامه به مدیر آرامستان بندرعیاس می‌نویسد و می‌گوید طرف یک هفته نسبت به ترمیم و آسفالت ورودی شهر اقدام کند و نامه را به آرامستان می‌فرستد. رئیس آنجا که فردی مظلوم و اداری بوده، با احتیاط تمام زنگ می‌زند به دفتر استاندار و می‌گوید جناب استاندار یک نامه را اشتباهی ارجاع داده به ما. دفتر می‌گوید اشتباه نداده، شما نامه را بیاور در جلسه شورای اداری و آنجا به استاندار بفرمایید که این نامه اشتباهی ارجاع شده است. آن مدیر همین کار را می‌کند و در جلسه شورای اداری مطرح می‌کند و مهندس می‌گوید اشتباه ارجاع نداده‌ام، وقتی زنده‌ها حرف گوش نمی‌کنند باید کار را به مرده‌ها بسپاریم و به این ترتیب حسابی از خجالت شهردار و مدیر اداره راه درمی‌آید و کار ورودی را سروسامان می‌دهد.

رحیم رضایی:

حق و ناحق در نگاه خرم

در جریان طرح استیضاح جناب مهندس خرم، سمینار مدیران کل استانی را در محل آموزشگاه سابق راه‌آهن در میدان شیخ‌بهایی تهران داشتیم. حاشیه مهمی که رخ داد، این بود که آقای جعفرزاده که در آن زمان در حوزه رسانه با ما بود، در حیاط آموزشگاه به مهندس خرم گفت: بیایید مقداری با نمایندگان انعطاف به خرج دهید تا این استیضاح پس گرفته شود. قرار نیست شما استراتژی خودتان را تغییر بدهد، فقط کمی تاکتیک‌تان را عوض کنید. مهندس خرم گفت باید فرق بین حق و ناحق دیده شود و

ویژه‌نامه بزرگداشت مهندس احمد خرم

ادامه داد: من تسلیم باخ‌خواهی‌ها نخواهم شد. بگذار مرا از خدمت به مملکت محروم کنند.

عبدالکریم بابارضا:

عاشق میهن

مفتخر به آشنایی ۴۰ساله با ایشان و همکاری چندساله و ارادت ابدی هستم. ایشان را فردی بسیار متدین و وطن‌پرست و عاشق فرزندان میهن و وفادار در دوستی و بسیاری خصایص الوالی انسانی و قائل به نظم و کار تیمی و فهم کارشناسی در مأموریت و وظایف، بذل‌گو و شوخ‌طبع، بدیهه‌پرداز و باریک‌بین و ظرفیت‌اندیش می‌شناسم. از خاطرات ایشان همین بس که فرد تالثی می‌گفت که فلانی بد همکار شما را در جمعی می‌گفت، ایشان برآشفتم و اجازه ادامه صحبت به ایشان را نداد و با تندی مدام پرسش می‌کرد آیا توی ذهنش زدی یا نه و بدون خداحافظی رفتند. خدایش عمر طولانی توأم با تندرستی به ایشان عنایت فرماید.

سیدکاظم مفیدی

شیفتگی به خرم دریم

وقتی حادثه بسیار تلخ زلزله بم برای کشور حادث شد، جناب آقای مهندس خرم عزیز خودشان را به بم رساندند. جهت برنامه‌ریزی و پیگیری امور محوله، من هم از روز قبل آنجا رسیده بودم. اول صبح بود. بعد از احوال‌پرسی مختصر، بلافاصله یک پارچه گرفتند و شروع کردند به نظافت و گردگیری شیشه‌ها و درها و پنجره‌های ساختمان فرودگاه که سالم مانده بود و آنچنان با عشق و علاقه و دلسوزی این کار را انجام دادند که نه‌تنها من بلکه دو، سه نفری را هم که آنجا بودند شیفته مرام و معرفت و افتادگی و خاکی‌بودن خود کردند. فراوان نکات ریز و درشت از سفارش‌های ایشان برای بهبود وضعیت فرودگاه‌های ایران در فصول سرما و گرما و راحتی مسافران و خدمات ارزنده دیگر که آنها را در ملکه ذهنم به یادگار دارم و قابل وصف و بیان در این چند سطر نیست. الهی تشش سالم و وجود نازنینش به دور از آلام و دردها باشد که بتواند به‌سان گذشته، برای این بوم‌ویر سال‌های متمادی دیگر منشأ خیر و برکت باشد.

جمشید ایرانی:

به‌دور از ریا و تزویر

خاطره‌ای از مهندس خرم عزیز دارم که نمونه‌ای از دوری و تبری ایشان از رفتارهای مبتنی بر تزویر و ریا ی‌بود. در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ که همراه دوستان جان، همیشه صبح روزهای جمعه در ایستگاه ۳ ولنجک بعد از پیاده‌روی و کوهنوردی سبک، سر سقره مهندس خرم گردهم مجلس انسی برقرار می‌کردیم که اعضای ثابت آن جنابان صوفی، رسولی، زبردست، حق‌شناس، میرلوحی، مشایخ و مرحوم محمودی‌فر و خود نگارنده بودند. جناب مشایخ از انسان‌های نیک روزگار که به سلامت نفس و اخلاق معرف همه دوستان است و در زمان استانداری جناب خرم در همدان فرماندار ایشان بودند، شب‌جمعه‌ای جمع را برای دامادی پسرشان در تلاری در منطقه ۲۲ دعوت کرد. از نوع پذیرش مشخص بود که این مجموعه تعلق خاطر به ارگان نظامی-انقلابی دارد. جنابان حق‌شناس، رسولی، مرحوم محمودی‌فر، زبردست و اینجانب دور یک میز با هم همنشین بودیم، اما برخلاف شادی مرسوم در جشن‌های عروسی، ما مواجه با مجلسی با تم مذهبی مداحی شدیم. مخلص کلام، نهایت کج‌سلیقگی در برگزاری مراسم مشهود بود. خلاصه به خاطر دوری و خستگی فردا صبح غالب دوستان به برنامه همیشگی نیامدند و من به تنهایی رفتم که اتفاقا مهندس خرم را دیدم. از ایشان پرسمان کردم که چرا ایشان در مراسم حضور نداشتند و ایشان با نگاهی که همراه با تأمل و سکوت بود از من چگونگی مراسم را سؤال کرد. من نیز توصیفی از کج‌سلیقگی و حضور یک مداح به‌عنوان مجری و… عرض کردم. داشتم توضیح می‌دادم که مهندس خرم سری تکان داد که عجب! و با ظرافت و شوخ‌طبعی خاص خودشان زیر لب به آرامی و آهستگی گفتند: عجب… مشایخ هم حقه‌بازی یاد گرفته!

علی یعقوبی:

سخنوری توانا، اصلاح‌طلبی محکم

بنده با مهندس خرم در تیرماه ۱۳۷۱ در محل مجلس شورای اسلامی آشنا شدم. آن‌موقع ما تازه وارد مجلس چهارم شده بودیم. یک روز در کمیسیون کشاورزی ایشان آمدند خودشان را معرفی کردند و تازه به‌عنوان استاندار همدان منصوب شده بودند. از آن تاریخ ۳۲ سال می‌گذرد که این دوستی و رفاقت همچنان باقی است و من به این دوستی و رفاقت افتخار